

تحلیل جایگاه محیط زیست از دیدگاه قرآن*

محمد حسن صادقی روش**

چکیده

عدم توجه به ابعاد معنوی رابطه انسان و محیط، ریشه بسیاری از آلودگی‌ها و فرایندهای مخربی است که به واسطه فعالیت‌های مستقیم و غیرمستقیم انسان در عرصه محیط زیست پیش می‌آید و با وجود راهکارهای علمی و دیدگاه‌های عملیاتی کنترل و کاهش فرایندهای تخریبی هم‌چنان شاهد بروز این فعالیت‌های مخرب در سطح جهان هستیم؛ لذا در این پژوهش با فرض اینکه چگونگی رابطه انسان و محیط نقش مؤثری در برخورد با محیط می‌تواند داشته باشد، به تبیین نگرش اسلامی از دیدگاه قرآن که انسان را همراه طبیعت می‌داند و نگرش غیر دینی که انسان را حاکم بر طبیعت می‌داند، پرداخته می‌شود. نتیجه حاصل از تحلیل آیات قرآن نشان داد که اندیشه‌های فلسفی در فضای غیردینی و جدا از آموزه‌های دینی، عامل اصلی و ریشه‌ای تخریب محیط می‌باشد. این معضل، معلول جهان‌بینی جدید و نگرش انسان نسبت به خود و طبیعت است؛ نگرشی که ریشه در بنیان‌های علم جدید و تفکر تجددگرایانه دارد و به فاصله گرفتن انسان از نگاه معنوی به طبیعت و تجاوز به آن انجامیده است و تا زمانی که ارتباط معنوی با طبیعت ایجاد و اصلاح نشود، نمی‌توان به حل پایدار و ریشه‌ای مسائل زیست محیطی امیدوار بود.

واژگان کلیدی: قرآن، محیط زیست، آلودگی محیطی، حفاظت، نگرش غیر دینی، تفکر مادی‌گرایی.

* تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۳/۴ و تاریخ تأیید: ۱۳۹۴/۹/۱۷.

** استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد تاکستان: m.sadeghiravesh@tiau.ac.ir

مقدمه

با بروز انقلاب کشاورزی در قرون ۱۵ و ۱۶ م. و توسعه روش‌های کشت از جمله ترانس‌بندی، کشت نواری روی خطوط میزان، ایجاد سیستم‌های آبیاری و ... که همراه با ظهور اثرات مخرب زیست محیطی همچون پاک‌تراشی و تخریب اراضی جنگلی و مرتعی، افزایش فرسایش و ... بود. بحث‌های مربوط به تخریب و آلودگی محیط و بررسی علل ایجاد و راهکارهای کنترل آن در جوامع غربی، شروع و با ظهور انقلاب صنعتی و توسعه استفاده از انرژی و کاربرد ماشین آلات توسعه یافت (میلر، زیستن در محیط زیست، ۱۳۹۱: ۳۷-۴۴). از جمله این مباحث در تفکر مادی‌گرایی (Materialist) همچون سایر زمینه‌ها بحث عامل دین در عقب‌نگه داشتن مردم در جریان توسعه و بالاخص نقش دین و تفکرات دینی در ایجاد بحران‌های اکولوژیکی و تخریب محیط یا حداقل عدم اقدام مؤثر در جهت جلوگیری از تخریب محیط بود. در این باره می‌توان به مقاله لین وایت (Lynn White) در سال ۱۹۶۷ با عنوان «ریشه تاریخی بحران‌های اکولوژیکی» که تعالیم ادیان مسیحی و یهودی را سبب بحران‌های زیست محیطی دانسته است، اشاره کرد. مک‌هارگ کتاب مقدس را یک متن غیردوست‌دار (Unfriendly) محیط زیست معرفی می‌کند که سراسر انسان را تشویق به استفاده شدید و تخریب گسترده از طبیعت می‌کند (McHarg, The Annals of the American Academy of Political Science, 1964: 352, 5). وایت بحران محیط زیست را ریشه در سلطه‌ای می‌داند که کتاب مقدس بر روی زمین به انسان اعطا کرده و معتقد است که غرور باور انسان‌مدارانه این اجازه دینی را به انسان‌ها داده که طبیعت را کنترل و از آن سوء استفاده کنند (White, Science, 1967: 155, 1204). توین‌بی ضمن بیان این تفکر معتقد است که راه برون رفت از این تنگنای زیست محیطی همانا بازگشت از جهان‌بینی توحیدی (Weltanschauung of monotheism) به جهان‌بینی وحدت (Weltanschauung of pantheism) می‌باشد (Toynbee, International journal of Environmental Studies, 3, 143) و هات (Haught, J. F)، استاد نجوم و رئیس مرکز مطالعات علم و دین دانشگاه جرج تاون آمریکا در این باره معتقد است که به دلیل جهت‌گیری دین به سوی جهان فوق طبیعی، برای حیات بر روی زمین ارزش کمی قائل است. نیز معتقد است که چنین نگاهی اصل اساسی اخلاق زیست محیطی را کنار می‌گذارد (هات، علم و دین، ۱۳۸۲: ۴۷/۱).

این تفکر مادی‌گرایی نسبت به آلودگی و تخریب محیط تا اواخر قرن بیستم ادامه داشت و

طی این مدت با ظهور انقلاب صنعتی و با وجود چاپ کتاب‌ها،^[۱] برگزاری بسیاری از کنفرانس‌ها و شکل‌گیری پیمان‌ها (فرهانی فرد، اقتصاد اسلامی، ۱۳۸۵: ۲۲، ۹۵) و فعالیت مجامع و آژانس‌های بین‌المللی و ملی در زمینه حفاظت از محیط‌زیست و به رغم وجود راهکارهای علمی و عملی، تغییرات جالب توجهی در فرایندهای حفاظت از محیط زیست از جمله تغییر در الگوی مصرف، صرفه‌جویی در استفاده از منابع، تمایل به جایگزینی انرژی‌های تجدیدپذیر به جای انرژی‌های فسیلی و ... به وجود نیامده است؛ از این رو، بسیاری از متفکران محیطی همانند اخلاق زیست‌گرایان (Bioethicists or Environmental Ethics) اکنون بر این باورند که در تصمیم‌سازی و اجرای تصمیمات محیطی حتماً نیازمند حمایت‌های فرهنگ دینی می‌باشیم که شالوده فعالیت‌های حفاظتی می‌باشد (بنسن، اخلاق محیط زیست، ۱۳۸۳: ۱۴).

طرفداران این نظریه معتقدند اخلاق باید به فراتر از انسان گسترش یابد و دنیای طبیعی غیر بشری را هم شامل شود. همان چیزی که تافلر آن را به عنوان شوک فرهنگی بیان می‌کند (میلر، زیستن در محیط زیست، ۱۳۹۱: ۴۴).

این متفکران به نقش دین و آموزه‌های دینی در حفاظت از محیط اشاره می‌کنند و معتقدند از دست دادن ارتباط معنوی با طبیعت زمینه ظهور انسان حاکم بر طبیعت و نه انسان همراه طبیعت را فراهم می‌آورد که مقدمه بنیادین تخریب محیط زیست می‌باشد (Simmons, Interpreting nature: cultural constructions of the environment, 2009: 35; Kula, Environmental Conservation, 28,7). در این باره آلدو لئوپولد^[۲] (Aldeo Leopold) و رالف ادبرگ^[۳] (Roolf Edberg) به تعلق انسان به طبیعت معتقدند نه طبیعت به انسان (میلر، زیستن در محیط زیست، ۱۳۹۱: ۱۴۳ و ۲۷۶) و هاینریش معتقد است که کاهش سرمایه معنوی بیش از کاهش سایر اجزای سرمایه کل می‌تواند زیانبار باشد (Hirsch, Social Limits to Growth, 2005: 123). در تفکر انسان حاکم بر طبیعت، محیط زیست به عنوان منبع غذایی، گنجینه دارویی، ذخایر مواد معدنی در نظر گرفته شده و به منظور حفاظت از آن صرفاً به راهکارهایی همچون ایجاد مناطق حفاظت شده، تصویب قوانین بازدارنده، ایجاد انگیزه‌های اقتصادی یا مالیاتی و ... اشاره می‌شود و راهکار بنیادین اصلاح رابطه انسان و طبیعت به فراموشی سپرده می‌شود (ورنیه، محیط زیست، ۱۳۷۶: ۱۰۳-۱۴۰).

ریشه تفکر انسان حاکم بر طبیعت یا جدایی انسان از طبیعت و تسلط بر آن از فلاسفه رم

و یونان باستان همچون فیثاغورث، افلاطون و ارسطو آغاز و با شروع دوره رنسانس و ظهور تفکر انسان محوری (فلسفه اخلاقی انسان‌گرایی) توسط کپلر و دکارت که طبیعت را همچون ماشین فاقد شعور معرفی می‌کنند، ادامه یافته و به پاسکال و کانت که تنها انسان را خردورز می‌دانند و شایسته برتری بر موجودات و طبیعت منتهی می‌شود؛ به عبارت دیگر، از دیدگاه بشر امروز محیط زیست او جدا و مستقل از وی و حتی از محیط الهی انگاشته شده است (محقق داماد، نامه فرهنگ، ۱۳۷۳: ۱۳ / ۸۱). این تفکر پایه برخی از تئوری‌های اجتماعی در دوره‌های معاصر شد که از جمله نظریه لیبراسیون مدرن (modern liberation) که طبیعت را فاقد ارزش می‌داند مگر اینکه توسط انسان بهره‌برداری شود (Gillespie, The American Journal of International Law, 1999: 93, 268). در این باره شوماخر معتقد است که انسان نوین خویشتن را همچون بخشی از طبیعت تجربه نمی‌کند، بلکه خود را به عنوان یک نیروی خارجی تلقی می‌کند که رسالت چیره شدن بر طبیعت را عهده‌دار است. وی حتی پیرامون بیکار با طبیعت سخن می‌گوید، در حالی که فراموش می‌کند که در صورت پیروزی در این بیکار خود را در جناح بازنده می‌بیند (شوماخر، کوچک زیباست، ۱۳۷۲: ۲۳).

در چنین دیدگاهی حفاظت از طبیعت نیز در چارچوب انسان مدارانه مطرح می‌شود بدین معنا که اگر وظائف خود را در برابر طبیعت به انجام نرسانیم، نابود خواهیم شد؛ بنابراین، در چنین تفکری تمرکز اندیشه بر انسان ذی شعور است، حتی در نظریات جدید اخلاق زیست محیطی حال نگر و آینده نگر نیز نگاه انسان مدارانه مطرح است با این تفاوت که نسل‌های فردا را نیز مورد توجه قرار داده است (ورنیه، محیط زیست، ۱۳۷۶: ۱۱ و ۱۲).

در مقابل، نظریه ادیان توحیدی از جمله اسلام ارائه دهنده تفکر و بینش انسان همراه طبیعت نه جدا یا مالک آن می‌باشند. مطابق تعالیم اسلامی که در ادامه اشاره می‌شود، نه تنها انسان مجاز به تخریب، آلوده‌سازی و بر هم زدن نظم محیط نیست، بلکه به حفاظت و ارتقای کیفی آن نیز موظف است؛ به عبارت دیگر، نه تنها انسان برای حفظ خود نیازمند حفظ طبیعت است، بلکه طبق آموزه‌های دینی، قطع نظر از منافع بشری، به حفاظت از طبیعت و محیط زیست پیرامون خود موظف است؛ بنابراین، هدف از این پژوهش تحلیل نگرش اسلام به مسئله محیط زیست از دیدگاه قرآن می‌باشد.

دیدگاه اسلام در رابطه با محیط زیست

بر خلاف نظریه انسان خردورز و طبیعت بی‌اختیار، فلاسفه غربی و معتقدان به لیبراسیون مدرن، اسلام به طبیعت ذی شعور معتقد است (زلزال/ ۴ و ۵؛ حدید/ ۱؛ جمعه/ ۱؛ نور/ ۴۱؛ بقره/ ۷۴؛ اسراء/ ۴۴؛^[۴] جوادی آملی، اسلام و محیط زیست، ۱۳۸۶: ۱/ ۱۲۷).

در این دیدگاه، انسان جزئی از هستی است که هر یک از عناصرش مکمل هم هستند نه مسلط بر جهان و چنین نگرشی نه تنها برای انسان، بلکه برای تمامی موجودات ارزش و کرامت قائل است. در عین حال، در اسلام وظایفی برای انسان و طبیعت نسبت به هم وجود دارد که ملحوظ داشتن آنها سیر تکاملی هستی را تضمین می‌کند. این وظایف در برگیرنده مباحثی همچون نگرش انسان به خودش و عالم وجود، نحوه استفاده از منابع، نحوه ارتباط انسان با طبیعت، آلودگی محیط و ... می‌باشد؛ لذا از آنجا که پرداختن به تمامی این مباحث به منظور شناخت نگرش اسلام به محیط زیست مقدور نیست، در این مبحث به بررسی رابطه انسان و محیط زیست که هم در بردارنده جامعیت موضوع می‌باشد و هم چارچوب تفکر اسلام در ارتباط با محیط را بیان می‌کند، پرداخته می‌شود.

چگونگی ارتباط انسان با محیط زیست در تفکر اسلامی

در تفکر اسلامی هدف و غایت نهایی، عبودیت و بندگی خداوند است (طه/ ۵۰)؛^[۵] لذا به منظور رسیدن به این هدف، تبیین فعالیت‌های انسان در ابعاد مختلف از جمله ارتباط او با محیط زیست ضروری است تا همواره انسان را در طی مسیر در صراط مستقیم و به سمت هدف تعیین شده حیاتش یاری نماید. چارچوب فعالیت‌های انسان به منظور دستیابی به هدف نهایی مذکور شده در قالب هدف از انجام فعالیت در محیط که به دیدگاه ما از سیر و سرانجام طبیعت بستگی دارد، نحوه ارتباط با محیط که با شناخت ما از محیط مرتبط می‌باشد و نحوه اجرا یا چگونگی رابطه با محیط که حفاظت از محیط زیست را بیان می‌کند، می‌باشد.

سیر و سرانجام محیط زیست

در تفکر اسلامی محیط زیست و اجزای آن به سمت کمال در حال حرکت است (طه/ ۵۰)؛^[۵] در این باره حسینی همدانی در تفسیر آیه ۳۸ سوره غافر^[۶] می‌نویسد: نظام جهان بر حدوث و حرکت است که هر موجودی باید متحرک باشد و لازمه حرکت، رسیدن به غرض و کمال ذاتی است و بشر که غرض از خلقت جهان است، زندگی او بر اساس حرکات اختیاری

اوست که حقیقت خود را بیابد و لازمه حرکت ارادی، رسیدن به غرضی است که کامل‌تر از حرکت است؛ زیرا حرکت به منظور رسیدن به کمال است از نظر اینکه غایت هر حرکتی، فاعل آن است و فاعل هر حرکت غایت و غرض آن است و غرض از خلقت جهان و حرکت آن، حرکت و سیر وجودی بشر است به سوی کمال» (حسینی همدانی، انوار درخشان، ۱۳۶۱: ۳۳۴/۱۴). در عین حال باید گفت که حرکت تکاملی طبیعت علاوه بر تفکر اسلامی در دیگر تفکرات نیز ملاحظه می‌شود و به رغم عقاید مختلف در مورد عالم هستی، عقیده‌ای صریح نسبت به عدم حرکت هستی به سوی کمال دیده نشده است (جعفری، تفسیر و نقد و تحلیل مثنوی جلال‌الدین محمد مولوی، ۱۳۶۳: ۱۳ / ۳۵۷).

علامه طباطبایی ذیل تفسیر آیه ۱۳ سوره جاثیه^[۷] به وجود نظام واحد هستی اشاره دارد^[۸] (طباطبایی، المیزان، ۱۳۷۴: ۱۸ / ۱۶۱ و ۱۶۲) و همچنین در بیان تکامل طلبی و مراقبت عناصر طبیعی از هم می‌نویسد: هر موجودی در متن نظام وجودی خاص خود حرکت می‌کند و اگر از خط معینی که سایر ارباب برای او معین کرده‌اند، منحرف شود به اختلال نظام آنها منجر خواهد شد. در این حال، اجزای دیگر عالم وجود به پا برمی‌خیزند تا کار این موجود را تعدیل کنند و آن را به خطی برگردانند که با آن سازگار باشد و شر را از خود دفع کنند. اگر این جزء هستی که از راه منحرف شده، به استقامت گرایید که چه بهتر و گرنه اسباب خرد کننده طبیعت و مصیبت‌ها و بلایای نازله پایمالش خواهد ساخت و این یکی از نوامیس کلی طبیعت است (طباطبایی، المیزان، ۱۳۷۴: ۲۰ / ۱۴).

این مطلب همان چیزی است که میلر در بحث سیستماتیک خود به آن اشاره کرده است: زمانی که می‌توانیم عواملی را کنترل کنیم که توانایی آن را داریم. همانند آلودگی، تخریب محیط، تخصیص نامناسب منابع و ...، در واقع، ما هستیم که با وضع رقت باری کنترل می‌شویم. کانونتری نیز بر آن است که مدت مدیدی است که ما قوانین کوچک را می‌شکنیم و قوانین بزرگ در شرف گرفتن تاوان این قانون‌شکنی از ما هستند (میلر، زیستن در محیط زیست، ۱۳۹۱: ۴۴ و ۴۸). چنین تاوانی را براون بدین صورت بیان می‌کند: با ادامه تخریب‌های محیطی، افزایش قیمت مواد غذایی به حدی خواهد بود که بی‌ثباتی سیاسی، رشد اقتصادی را مختل کرده و بدین ترتیب فشارهای ناپایدار بر زیست بوم را بهبود خواهد داد (براون و همکاران، وضعیت جهان، ۱۳۷۷: ۳۲).

با توجه به اصل سیر تکاملی طبیعت در آموزه‌های اسلامی همواره می‌باید هدف از انجام

فعالیت‌های انسانی در طبیعت به گونه‌ای باشد که نه تنها سبب کمال یافتن و رشد مادی و معنوی وی شود، بلکه در یک تفکر سیستمی سایر اجزای محیط نیز در این مسیر قرار داده شوند و در عین بهره‌گیری از آنها به ارتقا و سیر تکاملی آنها و خویش مبادرت شود؛ به عبارت دیگر، فعالیت‌های انسان در محیط و استفاده از منابع می‌باید به حالت متعادل پویا در جهت کمال‌جویی با تکیه بر هدف والا و معنوی عبودیت و بندگی مستتر باشد؛ از این‌رو، محیط زیست انسان ظرف حیات و تکامل اوست (نصر، نیاز به علم مقدس، ۱۳۷۹: ۱/۲۰۷)، در چنین تفکری ساخت محیط برای زیست انسانی هدف نهایی نیست؛ چه در چارچوب این هدف همان تفکر انسان مسلط بر طبیعت شکل می‌گیرد، بلکه هدف ایجاد زمینه و بستری به منظور دستیابی به هدف غایی یعنی تقرب الهی و حیات اخروی معرفی شده (اعراف/۳۲: فصلت/۵۳)^[۹] است.

شناخت محیط زیست

در مفاهیم اسلامی هدف از تفکر راجع به محیط، شناخت آن و قوانین طبیعی حاکم بر آن شناخت دین می‌باشد؛ به عبارت دیگر، طبیعت تجلی‌گاه خداوند متعال است که در جای جای آن حضور الهیش دریافت می‌شود (بقره/۱۱۵)^[۱۰]؛ بنابراین، در سایه این شناخت است که امکان عقلی تسلیم در برابر اراده الهی تجلی می‌یابد. تفکر درباره طبیعت، اجزا و عناصر آن و قوانین و نظام حاکم بر جهان هستی یکی از مقولات بسیار مهمی است که اسلام به عنوان یکی از ابزارهای شناخت موکداً به آن ترغیب و توصیه می‌کند. (نحل/۱۱-۱۲ و ۶۷؛ شعرا/۷-۸؛ عنکبوت/۴۴؛ روم/۲۲؛ یونس/۱۰۱؛ غاشیه/۱۷-۲۰؛ اعلیٰ/۵-۶؛ بقره/۱۶۴؛ آل عمران/۱۹۱-۱۹۰)^[۱۱]. در قرآن کریم ۷۵۰ آیه در زمینه خداشناسی از راه علوم طبیعی وجود دارد (شفیعی مازندرانی، تأثیر محیط زیست در انسان، ۱۳۸۶: ۱۹)؛ به بیان دیگر، قرآن کریم از آسمان، ستارگان، خورشید، ماه، ابر، باران، جریان باد، حرکت کشتی‌ها در دریاها، گیاهان، حیوانات و بالاخره هر امر محسوسی که بشر در اطراف خود می‌بیند، به عنوان موضوعاتی که باید درباره آن اندیشید و تفکر کرد، یاد می‌کند (مطهری، مجموعه آثار، ۱۳۸۱: ۲/۶۹).

در این زمینه باید در نظر داشت که شناخت محیط صرفاً شناخت روابط علت و معلولی

میان اجزای محیط نیست (تفکر جزء‌گرایانه نیوتونی)، بلکه رابطه ماهوی نیز مطرح است (تفکر کل‌گرایانه)، همان‌طور که نصر در این‌باره در شرح دیدگاه‌های ابن‌سینا چنین آورده است: تحقیق در پدیده و ظاهر است در پرتوی رابطه‌ای که با درون و باطن دارد و تحقیق در جزئی است با نظر به رابطه‌ای که بین آن و کل موجود است؛ بنابراین، این نگرش کل‌گرایانه در تفکر و شناخت محیط و قوانین حاکم بر آن که بر گرفته از تفکر اسلامی می‌باشد، می‌تواند در برنامه‌ریزی‌ها و سیاست‌گذاری‌های محیطی مؤثر باشد (نصر، نظر متفکران اسلامی در مورد طبیعت، ۱۳۷۷: ۳۶۱).

حفاظت از محیط زیست

هر چند خداوند انسان را خلیفه خود در زمین قرار داده (بقره/ ۳۰)^[۱۲] و همه عالم را مسخر او گردانیده (جاثیه/ ۱۳)، حج/ ۶۵؛ لقمان/ ۲۰؛ اسراء/ ۷۰؛ ابراهیم/ ۳۲-۳۳؛ نحل/ ۱۲-۱۴)^[۱۳] و محیط زیست را برای بهره‌برداری او آفریده (اعراف/ ۳۲؛ بقره/ ۶۰، ۱۶۸، ۱۷۲)^[۱۴] ولی این انسان همانند انسان حاکم بر طبیعت در تفکر ماتریالیسمی، رها شده و فارق از مسئولیت نیست بلکه خداوند با نهادینه‌سازی ظرفیت علمی برای او در سلطه بر محیط، او را خلیفه خویش در آن قرار داده است و این جانشینی و خلافت ایجاب می‌کند که او امانت محیط طبیعی را به نیکویی حفظ نماید و با دانش و علم نسبت به بهره‌وری و عمران آن بکوشد. در این رابطه جوادی آملی در تفسیر آیه ۳۲ و ۳۳ سوره ابراهیم و ۵ و ۶ سوره نحل^[۱۵] پس از بیان مفاهیم تسخیر عام و خاص می‌نویسد: تسخیر جهان آفرینش برای انسان، خواه به تسخیر مستقیم خدای سبحان باشد و یا زمام آن را به دست انسان داده باشد، با تفویض و قسر و قهر تفاوت دارد. تسخیر به این معنا نیست که انسان بتواند بر نظام آفرینش قهراً حکومت کند، بلکه می‌تواند در محدوده نظام موجود، آسمان و زمین را برای هدف صحیح خود، وسیله قرار دهد و در خدمت خود درآورد (جوادی آملی، تسنیم، ۱۳۸۵: ۶۱۱).

قرآن کریم تجاوز به حریم طبیعت و ضایع ساختن و تخریب منابع زیستی آن را در قالب کلمات «تَعْتَدُوا» (تجاوز) و «الْمُعْتَدِينَ» (متجاوزان) بیان کرده است^[۱۶] و نسبت به آن نفی کرده است (اعراف/ ۳۱؛ بقره/ ۶۰ و ۲۰۵؛ روم/ ۴۱)^[۱۷] به صورتی که مرتکبان این عمل از شمول رحمت، محبت و رأفت الهی دور می‌گردند (محقق داماد، رهنمون، ۱۳۷۳: ۲ و ۳/ ۲۸۱) همچنین قرآن کریم در آیات متعددی انسان را از فساد در زمین بر حذر داشته و او را

به اصلاح در آن امر نموده (هود/ ۶۱؛ بقره/ ۲۱۱؛ اعراف/ ۳۱ و ۵۶)^[۱۸] و از اجتناب از سرکشی در بهره‌برداری از ارزاق نهفته در زمین (طه/ ۸۱)^[۱۹] و اسراف و تبذیر (انعام/ ۱۴۱؛ اعراف/ ۳۱)^[۲۰] سخن گفته است. در عین حال، با توجه به نگرش قرآن کریم که دنیا را بستر و زمینه دستیابی به هدف غایی یعنی تقرب الهی و حیات اخروی، می‌داند (اعراف/ ۳۲)^[۲۱]، انسان پرورده چنین مکتبی از لحاظ اعتقادی و اخلاقی عالم طبیعی را دشمن طبیعی نمی‌داند که باید بر آن چیرگی یابد، بلکه به آن به صورت جزء مکمل جهان دینی می‌نگرد که در حیات زمینی‌اش و به یک معنی حتی در سرنوشت غائی او شریک است و به عبارتی محیط زیست امانتی است در دست او که در مسیر هدایتش از آنها استفاده می‌کند. این امانت در بعضی آیات به نعمت‌هایی از سوی خداوند تعبیر شده است (ابراهیم/ ۳۴)^[۲۲] که می‌باید شکر آنها به جا آورده شود و از کفران آن پرهیز شود که در این صورت نعمت‌ها فزونی می‌یابد (سبأ/ ۱۳؛ اعراف/ ۱۰؛ ابراهیم/ ۷)^[۲۳]؛ بنابراین، از این دیدگاه تخریب محیط زیست با هدایت او سازگاری ندارد.

از طرف دیگر، از مفاهیم قرآنی استنباط می‌شود که مالک حقیقی خداوند است (آل عمران/ ۱۸۹؛ بقره/ ۱۱۶؛ حج/ ۶۴؛ توبه/ ۱۱۶)^[۲۴] که این مالکیت قابل واگذاری به انسان نیست (اسراء/ ۱۱۱)^[۲۵]؛ بنابراین مالکیت انسان نسبت، به طبیعت مالکیت حقیقی نیست بلکه مالکیت اعتباری است و میزان تصرف در مایملک اختیاری و غیر حقیقی تنها در حد اذن مالک حقیقی (خالق) و در محدوده احکام و مقررات وضع شده از ناحیه اوست؛ بنابراین انسان نمی‌تواند تصرف ناروا در محیط داشته باشد (جوادی آملی، اسلام و محیط زیست، ۱۳۸۶: ۱/ ۱۷۲؛ نیز، همو، مجموعه مقالات همایش بین المللی محیط زیست، دین و فرهنگ، ۱۳۸۰: ۵۸).

به طور کلی، باید گفت: فعالیت‌های حفاظتی و اصلاحی انسان که در قرآن کریم عمران و آبادانی یا اصلاح و عمران بیان شده، می‌باید با هدف کمال جویی و نگرش کل‌گرایانه باشد.

نتیجه

نگرش به انسان به عنوان مالک محیط زیست، روندی جز تخریب محیط را به دنبال نداشته است و تا زمانی که این نگرش نسبت به انسان و سلطه‌گرایی بدون احساس مسئولیت او نسبت به طبیعت و محیط وجود داشته باشد، این روند ادامه دارد؛ بنابراین، چاره بحران محیط زیست آغاز از خود است به تعبیر و بلیس هارمون، ما باید در این زمینه فرایند تغییر و تحول را با خودمان آغاز کنیم (سراج الدین و پارت، اخلاقیات و ارزش‌های معنوی در خدمت ارتقای توسعه پایدار بر اساس محیط زیست، ۱۳۷۹: ۲۹). البته در سال‌های اخیر با توجه به کوشش‌های بسیاری که در جهت شناخت و حفاظت از محیط زیست به انجام رسیده، جوامع بشری متوجه این حقیقت شده‌اند که فقدان بنیان‌های فکری صحیح نسبت به رابطه انسان و محیط، عامل اصلی تجاوز به محیط بوده است؛ هر چند شناخت این موضوع امید بخش است، ولی بسیاری از تحلیلگران مسائل محیطی معتقدند تنها با متوسل شدن به پایه‌های اخلاقی و معنوی مستحکم و با تعریفی جدید از روابط میان انسان و طبیعت است که می‌توان به چشم‌انداز روشنی در حفاظت از محیط زیست رسید.

امروزه با توجه به رشد دنیاگرایی ناشی از نفوذ فرهنگ غربی در جوامع، نقش مذهب در سیاست‌های زیست محیطی به منظور حفظ محیط زیست در حد تئوری باقی مانده و راهبردهای عملی در جهت هماهنگی پروژه‌های زیست محیطی و نگرش‌های فرهنگی و اخلاقی به منظور تغییر رفتار انسان در رابطه با محیط زیست ارائه نشده است، در عین حال، می‌توان امیدوار بود که با مبنا قرار دادن ارزش‌های مذهبی و تعریف مجدد ارتباط انسان با محیط به چشم‌انداز روشنی رسید. با تعمق در آیات قرآنی ملاحظه می‌شود که نگرش اسلام به رابطه انسان و محیط متفاوت از غرب می‌باشد؛ بنابراین، با مروری بر تعالیم اسلامی که انسان را همراه با طبیعت و نه در مقابل آن می‌داند و نقش انسان را در آبادانی و توسعه آن متذکر می‌شود، می‌توان به چارچوبی پایدار در سیاست‌گذاری‌های زیست محیطی به منظور حل مسائل به صورت ریشه‌ای دست یافت. از طرف دیگر، فاصله گرفتن از آموزه‌های اسلامی و پیروی از جوامع با دیدگاه غیردینی غربی، باعث رشد تفکر تسلط بر محیط، مصرف بیشتر در قبال تولید بیشتر، مصرف‌گرایی و ... می‌شود.

پی نوشت‌ها

[۱] بهار خاموش نوشته راشل کارسون در سال ۱۹۶۲ و بمب جمعیت پل ارلیش در سال ۱۹۷۸ دو کتاب مهم بودند که تأثیر به‌سزایی در آگاه‌سازی جوامع و توجه آحاد مردم و دولت‌ها به تخریب محیط داشت.

[۲] ما از سرزمین بیجا استفاده می‌کنیم زیرا ما آنرا جزء مایملک خود می‌دانیم، هنگامی که ما به سرزمین به چشم یک جامعه نگاه کنیم و خود را جزء مایملک آن جامعه بدانیم آنگاه ممکن است استفاده ما از آن با عشق و احترام باشد (لثوپولد).

[۳] آن چیزی که به اشتباه رفته، احتمالاً این است که ما در دیدن خود به صورت یک جمع تصور کرده‌ایم، مدت مدیدی زندگی خود را بر این پایه بچه‌گانه نهاده بودیم که نقش خداداد ما ایجاب می‌کند که بر ماهی دریا، پرنده هوا و بر هر چیزی که در زمین می‌جند خدایی کنیم، ما در این نکته اشتباه کرده‌ایم که زمین به ما تعلق دارد بلکه ما به آن تعلق داریم (ادبرگ).

[۴] در آن روز زمین تمام خبرهایش را باز گو می‌کند (زلزال / ۴) آنچه را که پروردگارت به آن وحی کرده است (زلزال / ۵).

- آنچه در آسمان‌ها و زمین است برای خدا تسبیح می‌گویند ... (الحدید / ۱).

- آنچه در آسمان‌ها و زمین است برای خدا تسبیح می‌گویند، خداوندی که مالک و حاکم است ... (جمعه / ۱).

- آیا ندیدی آنچه در آسمان‌ها و زمینند برای خدا تسبیح می‌گویند و همچنین پرندگان که بر فراز آسمان بال گسترده‌اند، هر یک از آنها نماز و تسبیح خود را می‌دانند ... (نور / ۴۱).

- برخی از سنگ‌ها از ترس خدا از فراز کوه‌ها به پایین می‌افتند (بقره / ۷۴).

- آسمان‌های هفت‌گانه و زمین و هر کس که در آنهاست او را تسبیح می‌گویند و هیچ چیز نیست مگر اینکه در حال ستایش تسبیح او می‌گوید... (اسراء / ۴۴).

[۵] گفت (موسی) پروردگار ما همان کسی است که به هر موجودی آنچه را لازمه آفرینش او بوده داده، سپس هدایت کرده است (طه / ۵۰).

[۶] این زندگی دنیا تنها متاع زودگذر است و آخرت سرای همیشگی است (فاخر / ۳۸).

[۷] او آنچه در آسمان‌ها و آنچه در زمین است همه را از سوی خودش مسخر شما ساخته است ... (جاثیه / ۱۳).

[۸] اجزاء عالم شهود همه برطبق نظام جریان دارد و نظام واحد بر آن‌ها حاکم است و بعضی را بر بعضی دیگر مرتبط و همه را با انسان مربوط و متصل می‌سازد... (طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن الکریم، ۱۳۷۴: ۱۸ / ۱۶۱ و ۱۶۲).

[۹] بگو چه کسی زینت‌های الهی را که برای بندگان خود آفریده و روزی‌های پاک را حرام کرده است؟ بگو این‌ها در زندگی دنیا برای کسانی است که ایمان آورده‌اند و در قیامت برای مومنان خواهد بود ... (اعراف / ۳۲).

- به زودی نشانه‌های خود را در اطراف عالم و در درون جان‌هایشان به آنها نشان می‌دهیم که برای آنان آشکار گردد که حق اوست ... (فصلت / ۵۳).

[۱۰] مشرق و مغرب از آن خداست پس به هر سو رو کنید رو به خدا کرده‌اید... (بقره / ۱۱۵).

[۱۱] ... زیتون، نخل، انگور و از همه میوه‌ها می‌رویانند به یقین در این نشانه‌های روشن از عظمت خدا برای اندیشمندان است (نحل / ۱۱) او شب و روز، خورشید و ماه را مسخر شما ساخت و ستارگان نیز به فرمان او مسخر و در خدمت شما هستند در این نیز نشانه‌هایی است از عظمت خداوند برای گروهی که می‌اندیشند (نحل / ۱۲).

- از میوه‌های درختان خرما و انگور مسکرات و روزی خوب و پاکیزه می‌گیرید، در این نشانه‌های روشنی است برای گروهی که می‌اندیشند (نحل / ۶۷).

- آیا آنان به زمین نگاه نکردند که چقدر از انواع گیاهان پرارزش در آن رویانندیم (شعرا /

۷) این نشانه روشنی است برای وجود خدا ... (شعرا / ۸).

- خداوند آسمان‌ها و زمین را به حق آفرید، به یقین در این آیتی است برای مؤمنان (عنکبوت / ۴۴).

- و از نشانه‌های او آفرینش آسمان‌ها و زمین و تفاوت زبان‌ها و رنگ‌های شماسست، در این نشانه‌هایی است برای اهل دانش (روم / ۲۲).

- بگو نگاه کنید چه چیز در آسمان‌ها و زمین است؟ ... (یونس / ۱۰۱).

- آیا آنان به شتر نمی‌نگرند که چگونه آفریده شده است (غاشیه / ۱۷) و به آسمان که چگونه بر افراشته شده (غاشیه / ۱۸) و به کوه‌ها که چگونه در جای خود نصب گردیده (غاشیه / ۱۹) و به زمین که چگونه گسترده و هموار گردیده (غاشیه / ۲۰).

- و آنکس که چراگاه را به وجود آورد (اعلی / ۵) و سپس آن را تیره و خشکیده ساخت (اعلی / ۶).
- در آفرینش آسمان‌ها و زمین و آمد و شد شب و روز و کشتی‌هایی که در دریا به نفع مردم در حرکتند و آبی که خداوند از آسمان نازل کرده و با آن زمین را پس از مردنش حیات بخشید و انواع جنندگان را در آن گسترده ساخت و در وزش بادها و ابرهایی که میان زمین و آسمان قرار گرفته‌اند نشانه‌هایی است برای گروهی که عقل خود را به کار می‌گیرند (بقره / ۱۶۴).

- به یقین در آفرینش آسمان‌ها و زمین و آمد و شد شب و روز نشانه‌هایی برای خردمندان است (أل عمران / ۱۹۰).

[۱۲] هنگامی که پروردگارت به فرشتگان فرمود «من بر روی زمین جانشینی قرار خواهم

داد...» (بقره / ۳۰).

[۱۳] خداوند کسی است که دریا را مسخر شما کرد ... (جائیه / ۱۲) او آنچه در آسمان‌ها و زمین است همه را از جانب خویش مسخر شما ساخته در این نشانه‌های مهمی است برای آنان که اندیشه می‌کنند (جائیه / ۱۳).

- آیا ندیدی که خداوند آنچه را در زمین است و نیز کشتی‌هایی را که به فرمان او بر صفحه اقیانوس‌ها حرکت می‌کنند مسخر شما کرده ... (حج / ۶۵).

- آیا ندیدید آنچه در آسمان‌ها و زمین است مسخر شما کرده و نعمت‌های آشکار و پنهان خود را به طور فراوان بر شما ارزانی داشته ... (لقمان / ۲۰).

- ما فرزندان آدم را گرامی داشتیم و آنها را در صحرا و دریا سوار کردیم و از نعمت‌های پاکیزه به آنها روزی دادیم و آنها را بر بسیاری از موجودات که خلق کرده بودیم برتری بخشیدیم (اسراء / ۷۰).
- و خداوند کسی است که آسمان‌ها و زمین را آفرید ... و کشتی را مسخر شما ساخت تا بر صفحه دریا به فرمان او حرکت کنند و نهرها را نیز مسخر شما نمود (ابراهیم / ۳۲) و خورشید و ماه را که با برنامه منظمی در حرکتند به تسخیر شما در آورد و شب و روز را نیز مسخر شما ساخت (ابراهیم / ۳۳).

- (نحل / ۱۲) و مخلوقاتی را که در زمین به رنگ‌های گوناگون آفریده در خدمت شما قرار داد در این نشانه‌های روشنی است برای گروهی که متذکر می‌شوند (نحل / ۱۳) او کسی است که دریا را مسخر شما ساخت تا از آن گوشت تازه بخورید (نحل / ۱۴).
[۱۴] (اعراف / ۳۲).

- ای مردم از نعمت‌های حلال و پاکیزه‌ای که در زمین است بخورید ... (بقره / ۱۶۸).
- ای کسانی که ایمان آورده‌اید از روزی‌های پاکیزه‌ای که به شما داده‌ایم بخورید... (بقره / ۱۷۲).
- از روزی خداوند بخورید و بیاشامید و در زمین به فساد نکوشید (بقره / ۶۰)

[۱۵] خداوند همان است که آسمان‌ها و زمین را بیافرید و از آسمان آبی فرو ریخت، پس به وسیله آن از محصولات گوناگون برای شما روزی (ابراهیم / ۳۲) و خورشید و ماه را که پیوسته در حال حرکت هستند مسخر شما نمود و شب و روز را نیز به تسخیر شما در آورد (ابراهیم / ۳۳).

- و چهارپایان را آفریده است که در آنها برای شما، وسیله گرما و سودهایی موجود است و از آنها می‌خورید (نحل / ۵) و زمانی که آنها را برای چرا می‌برید و زمانی که آنها را از چرا باز می‌گردانید برای شما جلوه و زیبایی هست (نحل / ۶).

[۱۶] ضایع نکنید منابع پاکیزه‌ای را که خداوند در اختیار شما قرار داده و تجاوز نکنید از حدود خویش چرا که متجاوزین مشمول رحمت خداوند نخواهند بود. (مائده / ۸۷)

[۱۷] ... از نعمت‌های الهی بخورید و بیاشامید ولی اسراف نکنید که خداوند مسرفان را

دوست نمی‌دارد (اعراف/ ۳۱)

- (بقره/ ۶۰) و نشانه سرسخت‌ترین دشمن تو این است که هنگامی که روی بر می‌گردانند در راه فساد در زمین کوشش می‌کنند و زراعت‌ها و چهار پایان و انسان‌ها را نابود می‌سازند با اینکه می‌دانند خدا فساد را دوست نمی‌دارد (بقره/ ۲۰۵).

- فساد در صحرا و دریا به خاطر کارهایی که انجام داده اند آشکار شده است... (روم/ ۴۱) [۱۸] او خدایی است که زمین را آفرید و آباد کردن آنرا به شما سپرد (هود/ ۶۱).
- ... و کسی که نعمت‌های خدا را پس از آنکه به سراغش آمد تبدیل کند، که خداوند سخت کیفر است (بقره/ ۲۱۱).

- (اعراف/ ۳۱) و هرگز در زمین پس از آنکه کار آن به امر حق و رسول حق نظم و صلاح یافت به فساد و تباهی بر نخیزید (اعراف/ ۵۶).
[۱۹] بخورید از روزی‌های پاکیزه‌ای که به شما داده‌ایم و در آن طغیان نکنید که غضب من بر شما وارد شود (طه/ ۸۱).

[۲۰] ... اسراف نکنید که خداوند مسرفان را دوست ندارد (انعام/ ۱۴۱).

- (اعراف/ ۳۱)

[۲۱] (اعراف/ ۳۲)

[۲۲] اگر بخواهید نعمت‌های خدا را برشمرد، آن را شمار نتوانید (ابراهیم/ ۳۴).
[۲۳] شکر نعمت‌ها را به جا آورید، در حالی که عده کمی از بندگانش شکر گذارند (سبأ/ ۱۳).
- ما شما را در زمین تمکین و اقتدار بخشیدیم و در آن معاش و روزی از هر گونه نعمت مقرر داشتیم، لیکن اندکی از شما شکر نعمت‌های خدا را به جا می‌آورید (اعراف/ ۱۰).
- اگر شکر نعمت‌های مرا به جا آورید من به طور قطع نعمت‌های شما را افزون می‌کنم و اگر کفران کنید باید بدانید که عذاب من سخت است (ابراهیم/ ۷).

[۲۴] و حکومت و مالکیت آسمان‌ها و زمین از آن خداست و خدا بر همه چیز تواناست (آل عمران/ ۱۸۹).
- آنچه در آسمان‌ها و زمین است از آن اوست و همه در برابر او خاضعند (بقره/ ۱۱۶).
- حکومت و مالکیت آسمان‌ها و زمین تنها از آن خداوند است، زنده می‌کند و می‌میراند و جز خدا سرپرست و یآوری ندارید (توبه/ ۱۱۶).

[۲۵] و بگو حمد و ستایش مخصوص خداوندی است که نه فرزندی اختیار کرده و نه شریکی در حکومت دارد و نه به خاطر ضعف و ذلت حامی و سرپرستی برای اوست (اسراء/ ۱۱۱).

منابع

۱. براون، لستر، آبرامویتس و دیگران، وضعیت جهان، ترجمه حمید طراوتی، مشهد: انتشارات جهاد دانشگاهی مشهد، ۱۳۷۷.
۲. بنسن، جان، اخلاق محیط زیست، ترجمه عبدالحسین وهاب زاده، مشهد: انتشارات جهاد دانشگاهی مشهد، ۱۳۸۲.
۳. جعفری، محمد تقی، تفسیر، نقد و تحلیل مثنوی جلال‌الدین محمد مولوی، تهران: انتشارات اسلامی، ۱۳۶۳.
۴. جوادی آملی، عبدالله، فرهنگ زیست محیط زیستی با مقام برین جانشینی خدا آمیخته است، همایش بین المللی محیط زیست، دین و فرهنگ، سازمان حفاظت از محیط زیست، ۱۳۸۰.
۵. جوادی آملی، عبدالله، اسلام و محیط زیست، قم: مرکز نشر اسراء، ۱۳۸۶.
۶. جوادی آملی، عبدالله، تسنیم، قم: مرکز نشر اسراء، ۱۳۸۵.
۷. حسینی همدانی، محمدحسین، انوار درخشان، تهران: لطفی، ۱۳۶۱.
۸. سراج الدین، اسماعیل و پارت، ریچارد، اخلاقیات و ارزش‌های معنوی در خدمت ارتقای توسعه پایدار بر اساس محیط زیست، ترجمه احمد رضا اشرف العقلائی، تهران: انتشارات سازمان حفاظت محیط زیست، ۱۳۷۹.
۹. شفیعی مازندرانی، سید محمد، تأثیر محیط زیست در انسان، قم: انتشارات اسلامی، ۱۳۸۶.
۱۰. شوماخر، ای. اف، کوچک زیباست، ترجمه علی رامین، تهران: سروش، ۱۳۷۲.
۱۱. طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم: دار الکتب الاسلامیه، بی‌تا، تهران، محمدی، ۱۳۶۳.
۱۲. فرهانی فرد، سعید، «محیط زیست، مشکلات و راه‌های برون رفت از منظر اسلام»، مجله اقتصاد اسلامی، ۱۳۸۵: شماره ۲۲، صفحات ۹۳-۱۲۲.
۱۳. محقق داماد، سید مصطفی، «طبیعت و محیط زیست انسان از دیدگاه اسلام»، مجله رهنمون، ۱۳۷۱: شماره ۲ و ۳، صفحات ۲۷۹-۲۹۳.
۱۴. محقق داماد، سید مصطفی، «طبیعت و محیط زیست از نگاه اسلام»، نامه فرهنگ، سال چهارم، ۱۳۷۳: شماره ۱۳، ۷۸-۸۹.

۱۵. مطهری مرتضی، مجموعه آثار، قم: صدرا، ۱۳۸۱.
۱۶. میلر، جرج تایلر، زیستن در محیط زیست، مجید مخدوم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۹۱.
۱۷. نصر، سید حسین، نظر متفکران اسلامی در مورد طبیعت، تهران: انتشارات خوارزمی، ۱۳۷۷.
۱۸. نصر، سید حسین، نیاز به علم مقدس، ترجمه جسن میاندری، قم: طه، ۱۳۷۹.
۱۹. ورنیه، ژاک، محیط زیست، ترجمه گیلدا ایروانلو، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۶.
۲۰. هات، جان. اف، علم و دین، ترجمه بتول نجفی، قم: طه، ۱۳۸۲.
21. Gillespie, A., International Environmental Law, Policy, and Ethics. The American Journal of International Law 1999.Vol. 93, No. 1 , pp. 267-269.
22. Hirsch, F. , Social Limits to Growth, Taylor & Francis C- Library, Grate Britian, London. Cambridge, 2005.
23. Kula, E. , Islam and environmental conservation, Environmental Conservation, 2005, Vol.28, No.1, pp. 1-9.
24. McHarg, Ian. The place of nature in the city of man. The Annals of the American Academy of Political Science, 1964, Vol. 352, pp.1-12.
25. Simmons, I. G. Interpreting nature: cultural constructions of the environment. Routledge, USA and Canada, 2009.
26. Toynbee, A. The religious background of the present environmental crises. International journal of Environmental Studies, 1972, Vol. 3, No.1-4, pp. 141-146.
27. White, L. J. The historical roots of ours ecological crisis, Science, 1967, Vol. 155, No.3764, pp. 1203-1207.